

بازتاب آموزه‌ها و نظریات جرم‌شناسی در حقوق کیفری نوین ایران

حمزه صفری زاده

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب

چکیده

با مذاقه و ژرفاندیشی به مواد قانونی مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن، به راحتی می‌توان دریافت که این قوانین به‌طور تا حدود زیادی متأثر از نظریات و داده‌های جرم‌شناسی بوده است. مقنن در این راستا، با رویکردی اصلاح نگر و مصلحت‌اندیش با تأثر از داده‌های جرم‌شناسی سعی در تطبیق هرچه تمام‌تر جرائم و مجازات‌ها با اسناد حقوق بشری و موازین عالی‌های انسانی داشته است. به‌طوری‌که قانون‌گذار با ایجاد تغییرات و اصلاحات وسیع در جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی به جرائم و گاهی جرم‌زدایی سعی در انتخاب مناسب‌ترین شیوه نسبت به ابعاد مربوط به فرایند ارتکاب جرم، برای مراعات مصلحت جامعه و مجرم دارد. رویکرد فوق‌الاشاره به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای تحدید دامنه‌ی مداخله‌ی نظام عدالت کیفری در قبال جرم‌سازی و مجازات جرائم تعزیری به شمار می‌آید. پس در قوانین کیفری جدید التصویب هدف نظام عدالت کیفری استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای کاربرد اندیشه‌ها و یافته‌های علم جرم‌شناسی در کاهش جرائم و مجازات غیرانسانی و سخت در پی شکست تعقیب کیفری سنتی با رویکرد سرکوبگر و محدودکننده‌ی طولانی آزادی مجرم، بوده است. تحت تأثیر این راهبرد، مقنن مبادرت به پیش‌بینی مقرره‌هایی چون تعلیق تعقیب، عدم تعقیب، بایگانی کردن پرونده، میانجیگری، توسعه‌ی تعداد جرائم قابل گذشت، پیش‌بینی کیفرخواست شفاهی در راستای کاهش زیان‌بار محیط زندان و کاهش مجازات حبس تعزیری و موارد اصلاح‌گرانه‌ی دیگری، کرده است.

واژه‌های کلیدی: قانون مجازات اسلامی، داده‌های جرم‌شناسی، قانون آیین دادرسی کیفری، جرم‌زدایی، کاهش مجازات

مقدمه:

از زمان تولد جرم‌شناسی علمی به‌عنوان یکی از نظریات جدید جرم‌شناسی، این علم تأثیر شگرفی بر حقوق کیفری جوامع داشته است. جرم‌شناسی علمی با رویکرد تحقیقی نسبت به جرم موجب تغییر دیدگاه‌ها به مجرم به جای جرم شد. این دیدگاه جدید از جرم‌شناسی با پیشنهاد راهبردها و شیوه‌های جدید موجب تعدیل کیفرهای سخت و غیر انسانی و تطبیق این کیفرها با موازین انسانی گردیده است. از سوی دیگر، ضمانت اجراهای کیفری جدید که مرتبط با آینده‌ی بزه‌کار بود مورد توجه قرار گرفت. در این چارچوب، باز پروری و اصلاح بزه‌کار به‌عنوان یک کارکرد جدید در حقوق کیفری تعریف شد. در تعامل با داده‌های جرم‌شناسی کارکردهای اصلاحی برای برقراری یک دادرسی عادلانه و بهبود نظام عدالت کیفری، مورد توجه مقنن قرار گرفت.

رشد روز افزون بزه‌کاری در جوامع، سیاست جنایی را با وجود استفاده‌ی فراوان از سلاح سرکوب و مجازات کیفری شدید نسبت به مجرمان و عدم نتیجه‌گیری بهینه، بر آن داشت تا در شیوه‌های جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی به جرم تجدید نظر جدی کرده و تحولاتی را به وجود آورد. تحدید موارد جرم‌انگاری و تنوع پاسخ‌دهی به جرم از بنیادی‌ترین جلوه‌های تحول در گفتمان جدید است. استفاده از قابلیت نهادهای جامعه‌ی و مشارکت دادن آنها در فرایند پاسخ‌دهی در کنار واکنش قانونی و قضایی از جمله‌ی این ابتکارات است.

در قانون کیفری جدید ایران مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن، مقنن با مصلحت‌اندیشی و تأسی از یافته‌ها و ساز و کارهای جدید جرم‌شناسی، چون جرم‌زدایی، قضا زدایی و ترمیمی کردن عدالت کیفری در راستای اثربخش کردن اقدامات نظام عدالت کیفری حرکت کرده و با پیش‌بینی نهادهایی چون عدم تعقیب متهم، تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده، تعویق صدور حکم، مجازات جایگزین حبس، کاهش مجازات حبس تعزیری و توسعه‌ی جرائم قابل گذشت نسبت به قوانین کیفری ما قبل و همچنین توجه ویژه به بزه‌دیده‌ی عنوان یکی از ارکان جرم و پیش‌بینی ترمیم جبران خسارت او، گامی مهم در جهت متناظر نمودن قوانین کیفری با یافته‌های علمی جرم‌شناسی و حتی با اسناد حقوق بشری، برداشته است. با توجه به بروز رسانی این قوانین کیفری، در جرائم تعزیری اختیاراتی به مقام قضایی داده شده تا به ویژه در جرائم سبک در صورت مصلحت از تعقیب متهم صرفنظر کرده و تعقیب او را معلق کند. استفاده از این رویکرد موجب ممانعت از برچسب خوردن بزه‌کار در موارد غیر ضرور، جلوگیری از اثرات زیان‌بار زندان و همچنین باعث کاهش هزینه‌ی نظام عدالت کیفری می‌شود.

آن چه مسلم است حقوق کیفری ما در عین در برداشتن مجازات سخت و جانکاه، حاوی بسیاری از مبانی متأثر از سیاست جنایی موسع و ملهم از علوم پیشرفته‌ی روز هم چون جرم‌شناسی، جامع‌شناسی و روان‌شناسی جنایی است که ذیلاً به این موارد اشاره خواهد شد. (ونکی، احمدرضا، ۱۳۹۸: ۲۲)

ضرورت انجام این تحقیق مبتنی بر این دیدگاه است که استفاده از آموزه‌های علم جرم‌شناسی به ویژه جرم‌شناسی علمی اصلاح‌گرایانه و اقدامات دفاع اجتماعی در قوانین کیفری، موجب بروز رسانی، انسانی‌تر شدن، جرم‌زدایی جرائم سبک، قضا زدایی، کاهش مجازات و دادن اختیارات به قضات در جهت عدم تعقیب مجرم در جرائم کوچک و غیر ضرور گردیده و باعث بهبود مدیریت در پیشگیری از جرم و همچنین اعتبار بخشیدن به نظام عدالت کیفری به‌عنوان یک نظام کیفری علمی و مطابق با معیار و موازین حقوق بشری می‌گردد. لذا کانون توجه و محل مذاقه‌ی این تحقیق، پاسخ به این پرسش هست که یافته‌ها و آورده‌های جرم‌شناسی تا چه حدی در قوانین جدید کیفری ایران تأثیر داشته و مقنن در قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ تا چه حدی از نظریه‌های جرم‌شناسی در راستای جرم‌زدایی و تحدید دامنه‌ی تعقیب، خارج

ساختن متهم از شمول نظام کیفری و همچنین پیشگیری از جرم بهره برده است. داده‌های جرم‌شناسی تا چه میزانی باعث بهبود نگاه عدالت کیفری نسبت به مجرم و تقلیل مجازات صرف نسبت به او شده است. با تدقیق در قوانین کیفری جدید متوجه می‌شویم که، هرچند مقنن در قانونگذاری توجه ویژه‌ای به نظریات جرم‌شناسی و دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه‌ی آن داشته است و این نگاه ویژه موجب کاهش تعقیب و مجازات در جرائم ترجیحا تعزیری شده است. اما با توجه به این که قسمت قابل توجهی از جرائم و مجازات در کشور ما ریشه‌ی فقهی دارند، لذا در این حیطه تأثیرات آورده‌های جرم‌شناسی تقریباً کم هست. در این پژوهش تلاش شده که به‌طور اجمالی به جنبه‌ی اصلی این پژوهش، یعنی موضوع تأثیر علم جرم‌شناسی و یافته‌های آن در قوانین کیفری مصوب ۱۳۹۲ و به ویژه اصلاحات جدید قانون مجازات در کاهش مجازات حبس تعزیری، پرداخته شود.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر پژوهش و تحقیقات کتابخانه‌ای و همچنین روش توصیفی است.

ساختار تحقیق:

این مقاله در سه گفتار ارائه شده است که در گفتار اول تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی در قانون مجازات نوین، در گفتار دوم تأثیر جرم‌شناسی در قانون آیین دادرسی کیفری و در گفتار سوم تأثیر جرم‌شناسی در کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد.

گفتار اول: بازتاب آموزه‌های جرم‌شناسی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن

۱- تأثیر جرم‌شناسی در کلیات مواد قانون مجازات اسلامی:

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و قوانین مجازات ما قبل، به‌طور کلی در برخی موارد بسیار جزئی اندوخته‌هایی از یافته‌های جرم‌شناسی را به خود اختصاص داده بود. با توجه به انتقاداتی که علمای علم حقوق به تعدد جرم‌انگاری و تورم کیفری در قانون مجازات داشتند و همچنین عدم تطابق بسیاری از مجازات‌های تعزیری موجود در قانون مجازات با اسناد حقوق بشری، قانونگذاران تصمیم گرفتند که با توجه به ایرادات و اشکالات فوق‌الذکر تحولی اساسی در جرم‌انگاری و حتی جرم‌زدایی قوانین کیفری جهت متناظر نمودن این قوانین با آموزه‌های جرم‌شناسی انجام دهند. لذا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و به ویژه قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصلاحات مناسبی در زمینه‌ی تقلیل تورم کیفری و تعدیل موارد تعیین غیرضروری جرم صورت گرفت. قانون مجازات جدید با پیش‌بینی نهادهایی چون تعویق صدور حکم، قرار بایگانی پرونده، ترک تعقیب، عدم تعقیب، تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی رایگان، نظام نیمه‌آزادی، نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌ی الکترونیکی، جایگزین حبس، اقدام تامینی و تربیتی نسبت به صغار و نوجوانان و مجانین و همچنین جایگزینی اصطلاح بزه یده با مجنی علیه و توجه ویژه به بزه دیده نمونه‌های برجسته‌ای از بازتاب مفاهیم و نظریات جرم‌شناسی در سامانه‌ی حقوق کیفری ایران را ارائه کرده است. (رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۸: ۳۴)

در قانون مجازات اسلامی جدید علاوه بر توجه به اصول حاکم بر حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازات، اصل قانونی بودن تعقیب، اصل شخصی بودن مجازات، اصل تفرید یا فردی کردن کیفر نیز به‌طور ویژه‌ای مورد توجه مقنن قرار

گرفته است. اصل فردی کردن مبین این مطلب است که اگرچه اصل بر تساوی افراد با موقعیتهای اجتماعی و یا مالی متفاوت در مقابل قانون است، اما هر متهمی با توجه به ابعاد شخصیتی و عملکرد و انگیزه، شایسته ی پاسخ و واکنشی متناسب است. در ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی قانون گذار اصل فردی کردن مجازات را به طور خاص مورد توجه و تاکید قرار داده و این ماده مهمترین ماده در قانون مجازات است که هدف فردی کردن مجازات را با توجه به وضعیت روانی، انگیزه، سوابق، وضعیت فردی و خانوادگی مجرم و شیوه ی ارتکاب جرم و نتایج زیان بار جرم در نظر داشته است.

پیش بینی مقررده های فوق الاشعار و همچنین اعمال تخفیفات نسبت به جرائم تعزیری در ماده ی ۳۷ و پیش بینی عفو و تخفیف مجازات در مواد ۹۶ و ۹۷ و یا مجازات جایگزین حبس ماده ۶۴ همه متخذ از دیدگاه اصلاح گرایانه و جرم شناسانه ی مقنن می باشد.

در مواد دیگری چون مواد ۸۸ و ۸۹ که مرتبط با اطفال و نوجوانان است به خوبی تاثیرات یافته های جرم شناسی را می توان یافت. چرا که مقنن در این مواد با تفکیک اطفال و نوجوانان از نظر سنی برای هر گروه تصمیمات و یا مجازات متناسب با سن آنها در نظر گرفته است. به طوریکه برای اطفال بین ۹ تا ۱۵ سال از تصمیمات (اقدامات تامینی و تربیتی) سخن گفته و برای نوجوانان بالای ۱۵ تا ۱۸ سال مجازات در نظر گرفته است.

از طرفی تمامی جرائم نوجوانان را قابل تعویق و تعلیق دانسته و جرائم این اشخاص را فاقد مجازات تبعی و آثار کیفری دانسته است. دامنه ی تخفیف و تجدید نظر مجازات اطفال و نوجوانان را نسبت به جرائم اشخاص بزرگسال توسعه داده است.

یکی از ابتکارات قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی مجازات جایگزین حبس بوده که به نوعی تخفیف گسترده نسبت به مجرم اعمال می کند به طوری که با اجرای آن مجرم به دامن جامعه بر می گردد و در جرائم سبک موجب خلاصی مجرم از محیط جرم زای زندان می شود. برای مثال اجرای دستورات مراقبتی در دوره ی مراقبت و یا اجرای خدمات عمومی رایگان به نوعی مجرمی را که از زندگی در جامعه محروم شده به وضعیت سابقش که زندگی عادی بوده برگردانده و باعث میشود که مجرم در تماس با جامعه و خانواده اش بتواند حیثیت بر باد رفته را بازیافته و از دنیای مجرمیت فاصله بگیرد.

پیش بینی توبه در برخی از جرائم تعزیری و وجود آن در جرائم حدی موجب ایجاد مکانیزمی شده تا مجرم بدون سوء پیشینه و اتفاقی و هیجانی بتوانند از این راهکار برای رهایی از مجازات و یا تخفیف آن استفاده کنند. عفو نیز روشی برای خلاصی مجرم از مجازات است که در نوعی از آن که عفو عمومی است با عفو مجرم علاوه بر مجازات اصلی مجازات تکمیلی و نیز تبعی از پرونده ی کیفری مجرم پاک شده و مجرم بدون سوء پیشینه محسوب می شود.

همه ی این عدم اجرای مجازاتها و تخفیفات و تعلیقاتی که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده و مستنبط از نظریات جرم شناسی هست، فقط در جرائم تعزیری آن هم از نوع تعزیر غیر منصوص قابل اعمال است. اما در جرائم تعزیری منصوص شرعی هیچ یک از این تخفیف ها کاربرد ندارد.

با وجود پیش بینی نهادهای ارفاقی مذکور در مورد جرائم تعزیری، جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه به علت ریشه ی فقهی آنها به هیچ وجه با استفاده از این نهادها قابل ارفاق نبوده و مجازات جرم ارتکابی نسبت به مجرم بدون تغییر به کار میرود، مگر این که جرم با استفاده از توبه و عفو از بین برود و جرائم مستوجب قصاص و دیه و یا جرائم حدی با ریشه ی حق الناسی با استفاده از گذشت و یا مقررده ای چون قرار ترک تعقیب، منتفی شوند. پس نتیجتاً در جرائم مستوجب حد، قصاص و یا دیه به علت قطعیت آنها و عدم اختیار مقام قضایی در تغییر این مجازاتها، آموزه ها و رهیافتهای جرم شناسانه تأثیر چندانی نداشته و

نفوذی ندارد. حوزه ی اصلی دیدگاههای جرم شناسانه و تأثیر آنها فقط به جرائم تعزیری غیر منصوص محدود می شود که در این حوزه قانون گذار با پیش بینی نهادهای ارفاقی منبعث از این علم موجب تحولاتی در بخش تعزیرات قانون مجازات شده است. پس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی بعد از آن از یافته های دانش جرم شناسی در جهت کاهش جرم انگاری و کاهش مجازات مجرم و تدوین سیاست جنایی منسجم و موثر سود برده است. مقنن از بیشتر نظریات جرم شناسی برای بهینه کردن قوانین کیفری و اقدامات تامینی و تربیتی بهره برده است. برای مثال با پیش بینی نهادهایی چون تعویق صدور حکم از نظریه ی برجسب زنی که از نظریات تعامل گرایی هست استفاده کرده است. با نگاهی اجمالی به قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ تأثیر نظریات دیگری چون فایده گرایی، رادیکالیسم و به ویژه نظریات تحقیقی را می توان در بعضی از مواد قانون مجازات می توان یافت.

با وجود تمام مزیت جرم شناسانه و اصلاح نگری که قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قوانین مجازات قبلی دارد، اما کاستیها و نواقصی هم در بعضی زمینه ها دارد که نیازمند عزم قانون گذار برای مرتفع نمودن آن است. به عنوان مثال یکی از این اشکالات، نسخ مجازات اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ هست که این اقدام باعث تحدید اقدامات تامینی و تربیتی به کودکان و نوجوانان بزهکار و مجانین شده و گروههای دیگر مجرمان خطرناک را از این مقرر که به نوعی در پیشگیری و کنترل جرم تأثیر داشته و مطابق ایده های جرم شناسانه ی و اندیشه های مصلحت نگر بوده، مستثنی ساخته است. (رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

۲- تأثیر جرم شناسی در کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و با وجود اصلاحات فوق الاشعار در زمینه ی تطبیق قانون مجازات با آورده های جرم شناسی و اسناد حقوق بشری باز هم حقوقدانان کیفری اشکالات و انتقادات زیادی به تورم کیفری و میزان مجازات تعزیری موجود در قانون مجازات مطرح کردند و طرح این اشکالات از طرفی و اندیشه ی مصلحت نگر قانونگذاران از سویی دیگر موجب شد تا در سال ۱۳۹۹ بار دیگر، اصلاحاتی بسیار مناسب و پسندیده در قانون مجازات تحت عنوان قانون کاهش مجازات حبس تعزیری انجام شود. در این سال مقنن با تأثر از اندیشه های تخفیف و تخفیف در دانش جرم شناسی و تاسی از دیدگاههای اصلاح محور آن، نسبت به تقلیل مجازات تعزیری و متناسب سازی این مجازات با اهداف عالییه قوانین کیفری جدید که بیشتر بر رعایت کرامت انسانها و اصلاح و به سازی قوانین کیفری تأکید دارند، اقدام کرد.

قبل از اصلاحات سال ۱۳۹۹ در قانون مجازات و کاهش مجازات حبس تعزیری، در قانون مجازات قبلی با وجود اصلاحات فراوان و اعمال نهادهای ارفاقگری چون بایگانی کردن پرونده، تعویق صدور حکم و یا افزایش دامنه ی تخفیف مجازات و همچنین پیش بینی مجازات جایگزین حبس و مقررهای ارفاقی دیگر نسبت به مجرم، مع الاسف باز هم با مجازات تعزیری حبس فراوانی در قانون مجازات مواجه بودیم به طوری که این نقیصه از طرفی در تناقض با معیارهای حقوق بشری اغماض گر نسبت به مجرم بودند، چرا که مجرم با کوچکترین تخلف و بدون هیچگونه بخششی به مجازات حبس محکوم می شد، از سویی دیگر حبسهای تعزیری زیاد و طولانی مدت در بعضی از جرائم سبک موجب صرف و اتلاف هزینه های بسیاری برای نگه داشتن مجرمان کم خطر و اتفاقی فراوانی در زندانها شده بود.

اما در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقنن با تاسی از آموزه های جرم شناسی سعی در کاهش مجازات حبس در جرائم تعزیری داشته، در بعضی از مجازات از جمله حبسهای ابد غیر حدی تقلیل زیادی را اعمال داشته و آن را به حبس تعزیری

درجه ی ۱ تبدیل کرده، یا در بعضی از مجازات حبس تعزیری میزان حبس را کاهش داده، در جرائم علیه امنیت و جرائم علیه عفت عمومی را با شرایطی قابل تعلیق دانسته، جرم کلاهبرداری و جرائم در حکم کلاهبرداری را به طور کلی قابل تعلیق دانسته است. همچنین مقنن در قانون کاهش مجازات تعدد جرائم قابل گذشت را به طور چشمگیری افزایش داده و از تعداد جرائم غیرقابل گذشت کاسته است.

بررسی قانون اخیر التصویب نشان دهنده ی تغییر مفاهیم مهمی در این جریان اصلاح تقنینی است که آن را جریان مدنی سازی حقوق کیفری می نامیم. مصادیق این جریان را می توان بدین شرح برشمرد: افزایش تعداد جرائم قابل گذشت، تأثیر مسلم کنش شاکی بر ماهیت جرایم، تأثیر احتمالی کنش شاکی بر زوال عنصر قانونی جرم و مواردی دیگر از این قبیل (روستایی، رحمانیان، ۱۴۰۰: ۲)

به طور کلی قانون گذار در قانون کاهش مجازات تعزیری، مصلحت محور بوده و توجه ویژه ای به مجرم داشته، رهیافتهای اثبات گرایانه، جامعه شناسانه و حتی انتقاد گرایانه ی جرم شناسی را مد نظر قرار داده و سعی در انجام اصلاحات اساسی در مجازات حبس تعزیری برای ایجاد انطباقی مناسب با موازین حقوق بشری داشته است.

اما با وجود این اصلاحات و کاهش مجازات حبس تعزیری، هنوز حبسهای طولانی مدتی در قانون مجازات وجود دارد که غیر ضروری و قابل تخفیف و حتی قابل جرم زدایی هستند، که نیاز به اراده و دقت نظر قانون گذار دارد.

البته انتقاداتی هم از سوی حقوقدانان و صاحبان علم حقوق به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری وارد شده است از جمله این که هر چند مقنن با تصویب این قانون در راستای سیاست کاهش جمعیت کیفری زندانها مبادرت به کیفر زدایی جزئی از برخی جرائم و لغو مجازات حبس ابد تعزیری کرده است، اما کاهش مجازات حبس تعزیری بر مبنای علمی و جرم شناسی نبوده و دفاع جامعه در قبال بزه کاران را کاهش میدهد و بازدارندگی مجازات را از بین می برد.

به هر حال با تمام این انتقادات و کاستیها به نظر می رسد که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به طور کلی با تاسی از آموزه های جرم شناسی به ویژه جرم شناسی تحقیقی موجب تعدیل برخی از مجازاتهای حبس غیر ضرور شده و تخفیفاتی را برای بزه کاران پیش بینی کرده که بسیار مفید است.

گفتار دوم: بازتاب داده های جرم شناسی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن، مواد زیادی می توان یافت که برگرفته از داده ها و نظریات جرم شناسی است. از جمله ی این موارد اصل فردی کردن مجازات است که به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق کیفری هست. این اصل که در قالب اصل مفید بودن تعقیب می گنجد متأثر از نظریاتی چون نظریه ی برچسب زنی هوارد بیکر است. (کسن موریس، صدیق، میرروح الله، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

مقررهایی چون قرار تعلیق اجرای مجازات و قرار تعلیق تعقیب از ابزارهای فردی کردن مجازات هستند و همچنین قرار پایگانی پرونده در همین مسیر پیش بینی شده است. (ونکی، احمد رضا، ۱۳۹۸: ۱۵) تعقیب جرایم اطفال در شعب مخصوص و جدا از سایر دادگاهها، پیش بینی پلیس اطفال و بانوان و پیش بینی قرارهای نظارت قضایی در کنار قرار تامین به عنوان ابزارهای کنترل کننده ی حالت خطرناک، توجه ویژه به بزه دیده به عنوان یکی از ارکان عدالت ترمیمی و تلاش در جهت ترمیم زیان و خسارت او همه منبعت و مستنبط از آموزه های دانش جرم شناسی است.

به‌طور کلی کاهش موارد تعقیب، راهبردی است که در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه مقنن قرار گرفته و از این طریق پاسخ‌دهی به جرم را تنوع بخشیده است. در این راستا، مقام قضایی با رویکردی مصلحت‌نگر با ارزیابی همه جانبه نسبت به ابعاد مربوط به فرایند ارتکاب جرم، مناسب‌ترین شیوه را بر می‌گزیند تا مصلحت جامعه و متهم رعایت شود. کاهش فرایند کیفری برگرفته از نظریات و آموزه‌های جرم‌شناسی است. دانش جرم‌شناسی از طریق تمرکز بر مرتکبان جرم و مطالعه‌ی آنان درصدد پیش‌گیری از ارتکاب بزه کاری یا کاهش تکرار آن است.

نظریه‌ی تعامل‌گرایی با انتقاد از عملکرد نظام عدالت کیفری و توجه به این مسئله که تعقیب و مجازات در همه‌ی موثرند تنها راه پیشگیری از جرم نیست، روشهای مناسبی را در راستای کاهش تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری، ایجاد نموده است. دیرزمانی است که اندیشمندان و حقوقدانان مختلف، این نکته را متذکر شده‌اند که برجسب زدن می‌تواند تأثیر جدی و تعیین‌کننده بر شخصیت فرد داشته باشد.

نظریه‌ی تعامل‌گرایی منفعت را در عدم تعقیب می‌داند. چون معتقد است که متهم وارد فرایند کیفری نشده و با اعطای فرصتی به وی، شرایط بازگشت وی به جامعه فراهم گردد. در نظریه‌ی برجسب زنی که از نظریات تعامل‌گرایان است، این گونه استنباط می‌شود که فرد مجرم از زمان صدور حکم محکومیت واجد دو برجسب می‌شود. نخست برجسب رسمی که توسط نهادهای رسمی به او زده می‌شود و سپس برجسبی که در جامعه و پس از تحمل محکومیت، توسط اطرافیان به او زده می‌شود. فردی که جامعه وی را کجرو می‌پندارد در اغلب موارد کسی نیست که نوعاً مرتکب بزه می‌شود، بلکه کسی است که نوعاً تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر می‌شود.

جرم‌شناسی تعامل‌گرا، برجسب مجرمانه زدن به افراد را موجب اخذ و درونی‌سازی هویت بزهکاری می‌داند و در نتیجه باید از شیوه‌های دورکننده این دسته از سامانه‌ی عدالت کیفری بهره جست.

در فرایند کیفری، مقام قضایی با ابزارهایی همانند تعلیق تعقیب و میانجیگری می‌تواند از ورود فرد به فرایند کیفری ممانعت کرده و پرونده را در همان مرحله‌ی دادسرا متوقف کند. نتیجه‌ی این امر، پیش‌گیری از تکرار جرم یا انحراف ثانویه به خاطر عدم الصاق انگ مجرمانه به فرد و عدم ورود وی به نظام کیفری رسمی و دولتی است.

اصطلاح قضا زدایی از واژه‌های جرم‌شناسانه است که به‌عنوان راهکاری فنی برای کاستن از میان پرونده‌ها در مراجع رسمی به شمار می‌رود، البته منظور از قضا زدایی، قضا زدایی نسبی است، چرا که قضا زدایی مطلق منجر به تعطیل کردن نهادهای رسمی و حذف وظیفه‌ی قضات می‌شود. (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۹) بدین ترتیب، قضا زدایی را می‌توان به‌عنوان یکی از مبانی کاهش موارد تعقیب در نظر گرفت. مقنن با مد نظر قرار دادن بزه کار و سایر عوامل، نهادهایی از جمله تعلیق تعقیب و..... را در قانون آیین دادرسی کیفری گنجانده است. مفهوم قضا زدایی عمدتاً در ارتباط با استفاده‌ی مقامات از جانشین‌های کلاسیک کیفری در تعقیب و محاکمه‌ی جرایم است. در این فرایند، هدف دست‌اندرکاران سیاست‌جنایی احتراز از درگیر شدن مرتکبان در فرایند عدالت کیفری یا در صورت ورود به این فرایند، جلوگیری از ادامه‌ی مسیر آنان اتخاذ تدابیری ویژه است. به نظر می‌رسد که رویکرد قضا زدایی برگرفته از نظریه‌ی فایده‌گرایی است.

قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با بهره‌گیری از برخی نهادها چون قرار تعلیق تعقیب، قرار بایگانی پرونده در راستای تحدید دامنه‌ی حقوق کیفری که از رسالت‌های اصلی دانش جرم‌شناسی است، اقدام کرده است.

از دیگر مفاهیم جرم‌شناسانه‌ای که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از آن بهره‌برده عدالت ترمیمی است، عدالت ترمیمی به‌عنوان یک رویکرد نوین در حقوق کیفری در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی ظهور کرد. اولین کسانی که از این اصطلاح

استفاده کردند «آلبرت اگلاش» و «آر. بارنت» بودند. (رحیمی نژاد، آقایاری، قلی پور، ۱۳۹۴: ۹۰) هدف از عدالت ترمیمی، تدوین و گسترش سیاست هایی دانسته شده که مجرم را به جبران خسارت وارده واداشته تا از این طریق بتواند اعتماد بزه دیدگان و نیز عموم افراد را به جامعه، مجدد احیاء کند. در واقع مجرم باید مسئولیت رفتار مجرمانه ی خود را پذیرفته و نیازهای افراد و اجتماع را که بر اثر ارتکاب جرم مختل شده است برطرف نماید. عدالت ترمیمی برآن است که از یک سو کلیه ی طرفین درگیر در جرم را در این فرایند مشارکت دهد و با ابزارهایی نظیر میانجیگری، موفق به قضا دایی شود. همچنین خسارت وارده بر بزه دیده جبران شود.

در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اختیار انجام میانجیگری به مقام قضایی واگذار شده تا با شرایطی و در جرائمی خاص پرونده ی مجرمی را برای میانجیگری ارائه کند.

با مذاقه و موشکافی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن، متوجه میشویم که مقنن در تصویب مواد این قانون به طور زائد الوصفی متأثر از آموزه های جرم شناسی بوده است. چه در دادسرا و چه در دادگاه یافته های جرم شناسی مدنظر قانون گذار بوده و به آن توجه داشسته است. از جمله این موارد: تکلیف به رعایت حقوق دفاعی و کرامت و حیثیت متهم، تجویز وکیل حتی در مرحله ی تحت نظر بودن متهم، جرم زدایی در برخی از جرایم، قرار ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، حذف قرار بازداشت موقت به استثناء بعضی از جرائم، پیش بینی پرداخت خسارت ناشی از بازداشت ناموجه، ترمیم و جبران خسارت بزه دیده، پیش بینی مدد کار اجتماعی برای دوران تحمل مجازات و بعد از آن، اعاده ی حیثیت به مجرم پس از تحمل مجازات و زوال سوء پیشینه ی کیفری برای برگرداندن مجرم به آغوش جامعه. همه ی این مقرر ها وامدار آموزه های جرم شناسی و حاصل تلاش بی وقفه ی اندیشمندان جرم شناس است.

گفتار سوم: بازتاب داده های جرم شناسی در جرائم خاص کیفری

قوانین خاص کیفری کمترین تأثیر را از آموزه های اصلاح گرایانه ی جرم شناسی داشته اند، هرچند که بیشتر قوانین خاص کیفری در یک دهه ی گذشته تصویب و یا اصلاح شده اند، اما کماکان نظر مقنن در تصویب این قوانین بر سخت گیری و جرم انگاری شدید توأم با مجازات سنگین نسبت به این جرایم است. به طوری که در بعضی از این جرایم چون جرم اسید پاشی و جرم اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر، اعمال نهادهایی چون تعلیق، تخفیف و گاه آزادی مشروط را ناممکن دانسته و یا در جرم تامین مالی تروریسم فرد مجرم را فارغ از تابعیت و محل ارتکاب جرم قابل تعقیب و کیفر دانسته است. پس در قوانین و مجازات خاص کیفری ایده ی اصلی قانون گذار بر عدم اغماض و عدم سهل گیری بر مرتکب است. در این قوانین به طور کلی، هیچ دیدگاه مثبتی نسبت به یافته ها و آورده های مصلحت نگر، جرم زدا و قضا زدای جرم شناسی وجود نداشته و بیشتر دیدگاه کلاسیک جرم شناسی که حتمیت و قطعیت مجازات را مد نظر داشتند، مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. همچنین به نظر می رسد که نظریه ی عمل گرایانه که یکی از نظریات جدید جرم شناسی با ایده ی تسامح صفر نسبت به مجرم می باشد، بیشترین تأثیر را در جرم انگاری قوانین خاص داشته است. البته شایان ذکر است که در برخی از جرایم خاص چون جرائم مواد مخدر به علت شدت جرائم، قانون گذار به طور نسبی نیم نگاهی به نظریات اصلاح گرایانه داشته و در بعضی موارد تخفیفاتی را برای مجرم در نظر گرفته است.

نتیجه گیری:

دانش جرم‌شناسی به‌عنوان یکی از علوم جنایی تأثیر شگرفی در تصویب قوانین کیفری جدید ایران داشته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعد از آن به وضوح تأثیر آموزه‌های مصلحت‌اندیش، جرم‌زدا و کاهش‌نگر و اغماض‌نگر جرم‌شناسی تحقیقی را مشاهده می‌کنیم، به‌طوری‌که مقنن با پیش‌بینی نهادهای جدیدی چون تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، آزادی تحت نظارت سامانه‌ی الکترونیکی، مجازات جایگزین حبس، کاهش مجازات حبس تعزیری، توسعه‌ی دامنه‌ی جرائم قابل گذشت، سقوط مجازات با توبه، عفو و مرور زمان و مواردی دیگر، توجه زیادی به مجرم و اصلاح آن داشته است. همچنین پیش‌بینی جرم‌و‌پیشگیری از جرم نیز از جمله مواردی است که منظور مقنن بوده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به مقرردهای جرم‌شناسی از جمله نظریات تعامل‌گرایی و ترجیحاً نظریه برچسب‌زنی داشته است. یکی از نهادهای آیین دادرسی کیفری که از نظریه‌های جرم‌شناسی متأثر شده، نهاد تعقیب است. در پرتو رهیافت نوین «کاهش موارد تعقیب کیفری»، مقام قضایی کنشگر مقتدری است که منفعت جامعه را در تعقیب نمی‌بیند، بلکه گاهی مصلحت جامعه و طرفین پرونده را در عدم تعقیب و بایگانی کردن پرونده ارزیابی می‌کند. به عبارت دیگر، قانون‌گذار با الهام‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناسی به ویژه نظریه‌ی تعامل‌گرایی و به‌طور خاص نهاد قضا‌زدایی و مصلحت‌اندیشی در جرایم سبک، مقررات مطلوبی را در زمینه‌ی کاهش موارد تعقیب در قانون گنجانده است و با پیش‌بینی تعلیق تعقیب، بایگانی پرونده در این مسیر حرکت کرده است.

یکی دیگر از شیوه‌هایی که در قانون آیین دادرسی کیفری برای خارج کردن پرونده‌ی متهم از تعقیب کیفری پیش‌بینی شده میانجیگری هست که در مرحله‌ی دادسرا و یا دادگاه در اختیار قاضی گذاشته شده است. این شیوه مستنبط از نظریه‌ی قایده‌گرایی و عدالت‌ترمیمی در جرم‌شناسی می‌باشد.

مقنن در تصویب قوانین خاص کیفری کمتر به یافته‌های اصلاح‌نگرانه‌ی جرم‌شناسی توجه داشته و بیشتر به سخت‌گیری و شدت مجازات روی آورده است، به نظر می‌رسد که در قوانین کیفری خاص نظریات جرم‌شناسی عمل‌گرایانه و همچنین جرم‌شناسی کلاسیک مورد نظر مقنن بوده است.

با وجود توجه ویژه‌ی قانون‌گذار به آموزه‌های جرم‌شناسی در تصویب قوانین کیفری و بالاخص قانون آیین دادرسی کیفری و قانون کاهش مجازات تعزیری، به نظر می‌رسد هنوز راه زیادی برای متناظر کردن و ایجاد تطابق قوانین کیفری با اندیشه‌های ناب جرم‌شناسی باقی است. از جمله این که پیشگیری از جرم، جرم‌زدایی از جرایم غیر ضروری، قضا‌زدایی در برخی جرایم و پیش‌بینی اقدامات تامینی و تربیتی در مورد همه‌ی مجرمین برای یافتن مجرمین خطرناک و ممانعت از ارتکاب و یا تکرار جرم آنان، نیاز ضروری قوانین کیفری است.

فهرست منابع:

- ۱ - رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، در آمدی بر جرم‌شناسی، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۱۷
- ۲ - کسن - موریس، ترجمه ی صدیق میر روح الله (۱۳۸۵)، اصول جرم‌شناسی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴
- ۳ - ونکی، احمدرضا (۱۳۹۸)، جلوه های جرم‌شناسی در حقوق کیفری ایران، خرسندی، تهران، ۱۳۹۸، ص ۱۵
- ۴ - رحیمی نژاد، اسماعیل، آقایی، مهدی، قلی پور، غلامرضا (۱۳۹۴)، نظریه ی خنثی سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی، پژوهشهای حقوق کیفری، سال سوم، شماره ی ۱۱، ص ۱۱۲ - ۸۵
- ۵ - محمودی، جواد (۱۳۸۵)، قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، جمله ی تخصصی الهیات و حقوق، شماره ی ۱۹، ص ۱۲۲ - ۱۰۵
- ۶ - روستایی، مهرانگیز، رحمانیان، حامد (۱۴۰۰)، مقاله ی مدنی سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، دوره ی ۸۵، شماره ی ۱۱۳، ص ۲-۳
- ۷ - سلیمی، علی، داوودی، محمد (۱۳۸۷)، جامعه شناسی کجروی، کتاب اول، چاپ چهارم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۸ - عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، مجله ی پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ص ۱۲۸ - ۸۵